

ذره بین

کلاهبرداری ۲ میلیاردی از سوی بزرگترین باندا اسکیمر

متهمان با اجاره دهک‌ای در جنوب تهران کارت‌های عابربانک قربانیان را کپی می‌کردند

دومیلیارد کلاهبرداری و ۱۳ مجرم حرفه‌ای، یک‌سال تمام بزرگترین باندا اسکیمر را در استان تهران و مازندران هدایت می‌کردند. تبهکارانی که باکپی کارت مالباختگان، حساب‌شان را خالی می‌کردند. پرونده‌ای که در نهایت با دستگیری سرکرده‌های آن به نتیجه رسید و راز تبهکاری‌های این باندا فاش شد.

اوایل آذر سال ۹۸ بود که یکی از مالباختگان این پرونده پیش روی پلیس فتا قرار گرفت. شاکی در اظهارات خود به پلیس گفته بود: «از حساب بانکی من مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال برداشت شده، این در حالیست که کارت بانکی‌ام هنگام برداشت در اختیارم بوده است.»

با اعلام این شکایت موضوع در دستور کار ماموران قرار گرفت و درحالی‌که تحقیقات در رابطه با این سرقت ادامه داشت، بیش از ۱۵ مالباخته دیگر در پلیس حاضر و اعلام کردند مبلغ موجود در حساب‌شان با همین شیوه به سرقت رفته است. بنابراین با توجه به حساسیت موضوع پرونده به تیم مبارزه با کپی کارت بانکی «اسکیمر» ارجاع و کارآگاهان سایبری اقدامات فنی و پلیسی خود را آغاز کردند.

بررسی‌های فنی متخصصان پلیس فتا نشان داد که دو مرد و یک زن پس از مراجعه به یک پلافروشی در استان البرز، با نسخه کپی شده کارت بانکی شاکی، مقداری طلا خریده‌اند. بنابراین اقدامات گسترده سایبری آغاز شد و در بررسی‌های تخصصی افسران این پلیس محل فعالیت مجرمان شناسایی شد. تجسس‌های پلیسی جزئیات تازه‌ای از این پرونده کلاهبرداری را فاش کرد و مشخص شد که متهمان در یکی از محله‌های حاشیه جنوب تهران با اجاره دهک‌ای در پوشش فروش اقلام خوراکی کارت‌های عابربانک قربانیان را کپی کرده‌اند.

دری سال ۹۸ بود که با صدور مجوزهای قضائی، آکبپی عملیاتی از پلیس فتای پایتخت به محل اختفای مجرمان اعزام شدند. آنها پنج نفر از متهمان را دستگیر و تعداد زیادی تجهیزات مجرمانه از جمله دستگاه‌های اسکیمر، رایتر کارت‌های مغناطیسی و کارت‌های خام کشف کردند. متهمان نیز به پلیس منتقل و با هماهنگی‌های انجام شده روانه زندان شدند.

یک ماه از دستگیری متهمان گذشته بود. اعضای دیگر این باندا بزرگ بیرون از زندان بودند. بنابراین نقشه‌ها برای از سر گرفتن کلاهبرداری‌هایشان آغاز شد. ولی با وجود زندانی شدن ۵ نفر از اعضای این باندا، انجام نقشه‌های کلاهبرداری سخت بود. برای همین آنها با فراهم کردن وثیقه، دو نفر از اعضای اصلی را از زندان آزاد کردند. پس از رهایی متهمان از زندان بود که درست چند وقت بعد یعنی از همان روزهای ابتدایی سال ۱۳۹۹ دوباره پرونده‌هایی با همین شیوه و شگرد به پلیس ارائه شد. با توجه به فوریت موضوع پیگیری پرونده مجدداً در دستور کار این پلیس قرار گرفت.

پس از اقدامات فنی و تخصصی یکی از مجرمان سابقه‌دار درخصوص جعل اسناد و کلاهبرداری در پرونده شناسایی شد. او طی یک عملیات ضربتی در یکی از محله‌های اطراف تهران درحالی‌که به همراه دو نفر از همدستان خود درحال بسته‌بندی ماسک و لوازم بهداشتی بود دستگیر و تجهیزات اسکیمر نیز از وی کشف شد.

در ادامه اقدامات پرونده و پس از انتقال متهمان به پلیس فتا در بازجویی تخصصی این متهم اعتراف کرد: «پس از تهیه سند برای نفرات اصلی با توجه به شیوع بیماری کرونا قصد داشتیم با فروش لوازم بهداشتی کارت خریداران را کپی کرده و موجودی حساب‌ها را برداشت کنیم که توسط پلیس دستگیر شدیم.»

اما دستگیری و اعترافات این مجرم، پایان فعالیت‌های این باندا بزرگ نبود. در بررسی‌های بعدی مشخص شد دیگر اعضای این باندا در محدوده جنوب تهران اقدام به کپی کردن کارت‌های عابر بانک می‌کنند. بنابراین با بکارگیری فنون پلیسی مخفیگاه این افراد شناسایی شد. در یک اقدام عملیاتی سه نفر از مجرمان دستگیر و تعدادی دستگاه چاپگر، تعدادی کارت خام و دو موتورسیکلت گرانقیمت سرقتی از محل دستگیری نفرات کشف شد. این افراد نیز در بازجویی‌ها اعتراف کردند که برای نفر اصلی کار می‌کنند. بازجویی از متهمان دستگیر شده نشان داد که متهم اصلی با یک هویت جعلی در شمال تهران در پوشش بیک موتوری رستوران‌ها اقدام به کلاهبرداری و کپی کردن کارت‌های می‌کند.

با رصد اطلاعاتی و اقدامات شبانه‌روزی تیم مبارزه با کلاهبرداری این پلیس مشخص شد متهم اصلی پرونده در سواحل شمال کشور با اجاره یکی از پارکینگ‌های ساحلی درحال فعالیت مجرمانه است و کارت مسافران را کپی می‌کند.

در نهایت طی اقدام هوشمندانه پلیس و با یک عملیات غافلگیرانه نفر اصلی این پرونده درحالی‌که به همراه یکی از اعضای باندا قصد پیاده‌سازی تجهیزات اسکیمر روی خودپرداز یکی از بانک‌ها را داشت دستگیر و تعداد زیادی تجهیزات مجرمانه از وی کشف شد.

سرهنگ داوود گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: «در مجموع ۱۳ نفر از اعضای اصلی این باندا بزرگ دستگیر و پرونده با بیش از ۷۰ شاکی و ارزش ۴۰ میلیارد ریال جهت سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شد.» رئیس پلیس فتای پایتخت همچنین به شهروندان هشدار داد که هنگام خرید با کارت بانکی و انجام عملیات بانکی با دستگاه‌های کارتخوان سیار از در اختیار گذاشتن رمز بانکی خود به دیگران و فروشنده‌ها خودداری کنند.



مادر صادق از ۳ سال انتظار برای قصاص قاتلان پسرش به «شهرود» گفت

چند قدم تا ایستگاه آخر



دو نایبی تأمین تفاضل دیه، این پول می‌توانست از محل بیت‌المال پرداخت شود. اما اصرار داشتیم که حکم سریع‌تر اجرا شود و سعی کردیم با به راه انداختن یک پویش در فضای مجازی از طریق کمک‌های مردمی این پول را تهیه کنیم.

●●● بیشترین و کمترین پولی که مردم پرداخت کردند چقدر بود؟

از ۵ هزار تومان تا ۵۰ میلیون تومان. ۵ هزار تومان را دختر نوجوانی پرداخت کرد که پتیم بود نزد عمویش در یکی از شهرهای شمالی کشور زندگی می‌کرد. او پول توجیبی‌اش را برای جمع‌آوری دیه متهمان به حسابم ریخت که خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. بیشترین پول هم مدیر یک شرکت واریز کرد. آن هم ۵۰ میلیون تومان بود. مردم در این پویش واقعا سنگ تمام گذاشتند و هر کسی توانست به سهم خودش کمک کرد.

●●● تاریخ اجرای حکم رامی‌دانید؟

نه مشخص نیست اما اقرار است اعلام کنند.

●●● حکم در همان مه‌ها اجرا می‌شود؟

حکم در مه‌ها اجرا خواهد شد. اما در ملاءم نیست و ممکن است در زندان باشد. یکی از دلایلش می‌تواند وجود بیماری کرونا باشد.

●●● فکری می‌کنید با قصاص متهمان از این ناراحتی رهای می‌شوید؟

می‌دانم که با کشتن آن ۳ نفر صادق من دیگر بر نمی‌گردد. ولی حداقل حق پسرم را گرفتم. خون پسرم که این طوری رحمانه و وحشیانه کشته شد، پایمال نمی‌شود.

●●● در این ۳ سال به رضایت هم فکر کردید؟

همیشه قصاص خواسته‌ام. همانند تمام مردم مه‌ها. پسرم زجر کشید و مرد. اگر پسرم آن قدر بی‌رحمانه کشته نمی‌شد، شاید گذشت می‌کردم. اما این ۳ نفر هیچ راهی برای گذشت نگذاشته‌اند. چون بعد از این اتفاق من هم با پسرم سوختم. خانواده متهمان بیش از ما بار برای رضایت به در خانه‌ام آمدند. اوایل بیشتر بود. زانی که گروه‌گروه می‌آمدند. شرمندشان بودم اما حکم دلم و منظم قصاص بودویس.

هنوز صدای پسرش را می‌شنود که در میان شعله‌های آتش زنده است و مادر را صدا می‌زند. هر شب کابوس می‌بیند. هزار پاره‌های ای‌دایان (به معنی مادر) صادق، در میانه آتش خنجری بردل و جانش است. ۳ سالی که روز و شب اشک ریخته اما هنوز تمام نشده است. منتظر اعدام قاتلان پسرش است. انتظاری که دیگر دیر نخواهد بود. □

✍️ (مریم رضاخواه) ۳ سال از آن روزی که صادق برمی‌کوبی قربانی نقشه هولناک ۳

دوستش شد، می‌گذرد. جنایتی که با منتشر شدن فیلم‌هایش در ذهن همه حک شد. با ساطور و سنگ حمله کردند صادق را کشتند و به آتش کشیدند. فجیع‌ترین جنایت سال ۹۶ بود. جنایتی که قاتلان بی‌رحم از تائبه به تائبه آن هم فیلم گرفتند. اما همین فیلم بود که راز این جنایت دهشتناک را فاش کرد. راز ۳ پسر مه‌بادی را. آخرین روز از تابستان سال ۹۶ بود. دانشجو ۱۹ ساله با هم‌کلاسی‌هایش همراه شد تا به میهمانی برود اما هرگز بازنگشت. جسد سوخته‌اش را چوپانی پیدا کرد. انگشتر و دسته کلید همراه جسد نشان از پیکر بی‌جان صادق بود که روز پس از آن میهمانی مرگبار پیدا شد. با کشف جسد انگشت اتهام به سمت دانیال دوست صادق رفت. دوستی چند ساله که او را به میهمانی دعوت کرده بود، اما زیر بار نمی‌رفت. تا این‌که فیلم جنایت و حشتناک لو رفت. فیلمی که قرار بود دست یکی از دوستان این متهم محفوظ بماند. قرار بود نیما هرگز این فیلم را باز نکند. نبیند. با کسی درباره آن سخنی نگوید اما تنها کنج‌کاری بود که فیلم باز شد، دیده شد و در اختیار تیم جنایی مه‌باد گذاشته شد. دانیال اعتراف می‌کند. اعترافی تلخ و دردناک. غم‌انگیزترین اعتراف یک متهم. فریادهای صادق در فیلم زجرآور است وقتی مادرش را آیدان صدامی‌کند تا کمکش کند اما مادر نیست حتی خبر هم ندارد که پسرش راز جرمش کرده‌اند. وقتی هنوز نفس دارد آتشش می‌زند، او را می‌سوزانند و رهایش می‌کنند. مادر وقتی خیردار می‌شود که دانیال اعتراف می‌کند. انتقام‌جویی، درگیری یا حتی وجود یک دختر انگیزه این جنایت در مراحل رسیدگی به پرونده عنوان شد. دانیال با همدستی ۲ دوست دیگرش این سناریوی تلخ را اجرایی کرده بود، اما این پرونده نفر چهارمی هم داشت که ساطور و وسایل قتل را به متهمان داده بود. اردیبهشت ماه سال ۹۷ محاکمه قاتلان صادق برمی‌خوان مه‌بادی در دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان شعبه مه‌باد به صورت فوق‌العاده برگزار شد. زیر سن یکی از چهار متهم پرونده زیر ۱۸ سال بود. بنابراین مطابق قوانین آیین دادرسی کیفری محاکمه سایر متهمان نیز باید همراه وی در دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان انجام می‌گرفت.

خرداد سال ۹۷ و یک سال بعد از این جنایت، حکم قصاص برای متهمان ردیف اول تا سوم قاتلان صادق برمی‌گردد. جرم قتل عمد صادر شد و متهم ردیف چهارم به جرم معاونت در قتل عمد که دو قبضه ساطور و تبر را با علم به نقشه قتل، در اختیار قاتلان قرار داده بود، به ۱۰ سال و یک روز زندان محکوم شد.

۳ سال و ۱۱ روز از این جنایت گذشت تا این‌که با ارسال پرونده قاتلان برمی‌کوبی از دیوانعالی کشور به اجرای احکام دادگستری مه‌باد، دو قاتل پرونده در یک قدمی چوبه‌دار قرار گرفتند. نفر سوم این جنایت هم اما پیش از رفتن یای چوبه‌دار با مرگ گره خورد. او در زندان سگته کرد و جان باخت. بعد از شورش فروردین ماه زندانیان زندان مه‌باد، به زندان میان‌دوآب منتقل شدند. دو روز نگذشته بود که خبر مرگ متهم نفر سوم قتل صادق برمی‌کوبی در فضای مجازی منتشر شد. اما شایعات زیاد بود. زندانی مه‌باد شکنجه شده با این‌که خودکشی کرده است. اما پزشکی قانونی، علت مرگ متهم را سگته قلبی گزارش کرد و فرضیه مرگ متهم به دلیل خوردن یاشکنجه در زندان رد شد. متهمی که معناد به شیشه هم بود، اما سرنوشت نفر چهارم این پرونده هم سیاه است. او که به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود با ضربه چاقویی از زندانیان چشمش را از دست داد و کور شد.

حالا اما این مادر صادق است که با قرار گرفتن دو قاتل صادق در یک قدمی اعدام از رنج‌های این ۳ ساله‌اش به «شهرود» می‌گوید. از این‌که چطور پول دیه متهمان اعدا می‌را جور کرد. از این‌که کمترین کمکی که در جمع‌آوری این پول به او و خانواده‌اش بود ۵ هزار تومان بود. تنها پس‌انداز یک دختر پتیم که آن را برای دیه صادق هدیه داد.

●●● چرا قصاص متهمان طولانی شد؟

پرونده از دوسال پیش، پس از قطعی‌ت در حکم، به بخش اجرای احکام دادگستری مه‌باد ارسال شده بود. اما به دلیل تفاضل دیه اجرای حکم تاکنون به تأخیر افتاده بود.

●●● پول دیه چقدر بود؟

سال اول برای هر اعدا می ۱۵۴ تومان، سال دوم ۱۷۰ میلیون و سال سوم ۲۴۰ میلیون. انتهای سال ۹۷ و قبل از عید، دیه یکی از متهمان جمع‌آوری شد و در انتهای سال ۹۸ نیز یکی دیگر از دیه‌ها واریز و تکمیل شد اما یک دیه باقی مانده بود که با مرگ یکی از متهمان در زندان این دیه باطل شد. دیه‌ای که از طریق پویش اینستاگرامی جمع شد.

●●● شما چقدر از این دیه را پرداخت کردید؟

۴۰ میلیون تومان که آن هم وام بود. من خیاطی می‌کنم و پدر صادق هم نگهبان است. ماهی ۸۰۰ هزار تومان درآمد دارم که تنها ۷۰۰ هزار تومان پول اجاره خانه‌مان است. به همین خاطر خرج زندگی را با خیاطی می‌چرخانیم که در این روزهای کرونایی شرایط وخیم‌تری هم داریم. به‌رحال خودمان از عهده پرداخت دیه بر نمی‌آمدیم. در صورتی که به دلیل عدم

گزارش «شهرود» از انهدام اعضای باندا خودروه‌های سرقتی پس از ۳ سال توسط پلیس پایتخت

اشک شوق مالباخته با پیدا شدن خودروی سرقتی‌اش

تنها دارایی‌اش یک خودرو بود که آن را هم ۴ ماه پیش بردند. نزدیک عید بود، در شلوغی‌های اسفند، محمود آن صبح سرد اسفند ۹۶ را گوشه ذهنش حک کرده است. می‌گوید: «آن روز را هرگز فراموش نمی‌کنم. آن روزی که با جای خالی خودرواش روبه‌رو شد بود.»

با پسرش تماس می‌گیرد، شاید او خودرو را برده بود؛ اما او هم بی‌خبر بود، پلیس هم خودرو را با جرئت‌بیل به پارکینگ منتقل نکرده بود. دزدان پژو خاکستری مرد ۶۵ ساله را سرقت کرده بودند. خودرویی که از سال ۸۶ تمام دارایی محمود بود. ۱۰ سال رفتاقتی که در آن صبح اسفند برایش تمام شده بود. همان روز پلیس را در جریان این سرقت گذاشت. هر روز هر تائبه منتظر خبر بود، خبری خوش از سوی پلیس. ۳۰ ماه گذشت، دیگر قید خودرو را زده بود. تصورش را هم نمی‌کرد روزی دوباره پشت فرمان همان خودروی خاکستری بنشیند و رانندگی کند. محمود یکی از مالباختگان باندا سارقان خودرو است. اشک در چشمانش حلقه بسته می‌گویی: «باور نمی‌کردم روزی خودروام پیدا شود.»

شاید در روزها و هفته‌های نخست امیدی داشت اما پس از ماه‌ها امیدش هم بی‌رنگ شد.

او در ادامه می‌گوید: «یک هفته پیش بود که پلیس شیراز با من تماس گرفت. مشخصات خودرو را داد و گفت خودرو را یک باندا سرقت کشف کرده‌اند. دوسال و نیم بعد از سرقت، خودروام را که بردند، تا آستانه سگته رفتم. سال ۸۶ با حقوق بازنشستگی خریده بودم. مقداری پیش قسط دادم و حدود ۵ سال هم قسط. سختی کشیدم تا توانستم اقساطش را پرداخت کنم. تنها سرمایه زندگی‌ام بود. می‌خواستم خرج دختر و پسرم کنم. خرج ازدواج‌شان، که سارقان بردند.»

مرد ۶۵ ساله اما حال روبه‌روی خودروی خاکستری‌اش در پلیس آگاهی پایتخت ایستاده. نوشته‌های کاغذ سفید رنگ که روی شیشه پژو نصب شده است، از فعالیت‌های مجرمانه یک باندا حکایت دارد؛ یک باندا سارق، باندا سارق که پلاک و شماره شاسی خودروها را دستکاری می‌کردند و با این تغییرات، خودروها را به نام می‌زدند. اما این پلیس بود که خودروی سرقتی را شناسایی دست سارقان را در شیراز رو کرد. اعضای این باندا مجرمانه سه